
خاطرات سیاسی

با مقدمه

محمد علی همایون کاتوزیان

چاپ اول: پاییز ۱۳۶۰

خلیل ملکی

می خوانید:

- مقدمه** خاطراتی درباره خاطرات ملکی صفحه ۹
- سیمای ایرانی سوسیالیسم: ارزش و اهمیت خلیل ملکی در تاریخ
معاصر ایران صفحه ۱۹
- ارزش و اهمیت خلیل ملکی در تاریخ معاصر ایران " ۲۰
- از تبریز تا شهریار: " ۲۱
- ۱- از تبریز تا برلین " ۲۱
- ۲- از برلین تا زندان " ۲۸
- ۳- "پناه و سه نفر" " ۳۰
- از شهریار تا انشعاب: " ۳۴
- ۱- حزب توده " ۳۵
- ۲- نفت شمال " ۳۷
- ۳- "۲۳ تیر" در باجیان " ۴۰
- ۴- انشعاب " ۵۳
- ۵- علل انشعاب: دوروش برای یک هدف " ۵۸
- از نهضت ملی ایران تا کودتای بیست و هشت مرداد (۱۳۳۲)
- ۱- غربت سیاسی " ۸۰
- ۲- برخورد عقاید و آراء " ۸۲
- ۳- حزب زحمتکشان ملت ایران " ۸۹
- ۴- حزب زحمتکشان ملت ایران (نیروی سوم) " ۹۲
- ۵- ۹ اسفند و ۲۸ مرداد. " " ۹۵
- دیکتاتوری شاه و ارتجاع: " ۱۰۷
- ۱- کودتا چنان که بودند و چه کردند " ۱۰۸
- ۲- زندان فلک الافلاک " ۱۱۰

- ۱۱۴ " ۳- اختلافات درون حزبی
- ۱۲۰ " ۴- قرارداد کنسرسیوم
- ۱۲۳ " ۵- "نبرد زندگی" و "علم و زندگی"
- ۱۲۸ " از جبهه ملی دوم تا قیام پانزده خرداد (۱۳۴۲)
- ۱۲۸ " ۱- ورشکستگی رژیم شاه و ارتجاع
- ۱۲۹ " ۲- جبهه ملی دوم و جامعه سوسیالیست ها
- ۱۵۸ " ۳- قیام ملی پانزده خرداد و اضمحلال جبهه ملی دوم
- ۱۶۵ " از گوشه زندان تا صحنه تاریخ
- ۱۶۵ " ۱- توقیف و محاکمه ملکی
- ۱۷۴ " ۲- ای مرغ سحر...
- ۱۷۵ " سیمای ایرانی سوسیالیسم
- ۱۷۵ " درباره "ملت" و "ملی".
- ۱۸۲ " نظریه نیروی سوم:
- ۱۸۴ " ۱- نیروی سوم در مقیاس جهانی
- ۱۹۱ " ۲- نیروی سوم در ایران
- ۱۹۱ " الف - نیروی سوم به معنای عمده در ایران
- ۱۹۸ " ب - نیروی سوم به معنای خاص در ایران
- ۲۰۶ " تاریخ و اجتماع، سوسیالیسم ایرانی در علم و عمل:
- ۲۰۷ " ۱- طرز برخورد کلی ملکی در علم و عمل
- ۲۰۹ " ۲- واقع بینی درباره بر خیا ل پروری
- ۲۱۳ " ۳- ارزش تاریخ
- ۲۱۹ " سوسیالیسم ایرانی، تیتوئیسم و سوسیال - دمکراسی:
- ۲۱۹ " ۱- طرح مسأله
- ۲۲۲ " ۲- یادداشتی در تاریخ سوسیال - دمکراسی
- ۲۲۶ " ۳- خلیل ملکی سوسیال دمکرات نبود
- ۲۳۴ " ۴- اعراب و اسرائیل
- ۲۳۷ " راه و روش و توفیق و شکست ملکی:

- ۲۴۰ " ۲- توفیق وشکست ملکی
- ۲۴۳ " ۳- مبادآنکه ...
- ۲۴۶ " یادداشت (درباره نحوه تنظیم متن خاطرات)
- ۲۴۸ " متن خاطرات سیاسی خلیل ملکسی
- ۲۵۰ " از نوزنده شدن خاطرات سی سال پیش
- ۲۵۲ " اولین آزمایش تلخ
- ۲۶۴ " سکوت شبانه زندان قصر شکسته می شود
- ۲۶۷ " بحث با فرخی
- ۲۶۸ " شکستن سکوت شبانه زندان
- ۲۷۹ " مخالفت هایی که با دکتر اراتی به عمل می آمد
- ۲۹۰ " "تروتسکیست های" ایرانی و هواداران زینوویف و کامنف
- ۲۹۸ " جالب ترین نمونه از "آن ور رودخانه"
- ۳۰۳ " اولین تماس با پیشه وری در زندان
- ۳۰۷ " دوران پرثمر در زندان قصر
- ۳۰۹ " ((کتاب "سرمایه" (کا پیتال) ما رکس))
- ۳۱۲ " چگونه جای مرحوم تیمورتاش را گرفتم
- ۳۱۵ " ۱- وقتی که قهره خان... به بازدید از زندان آمد
- ۳۱۹ " ۲- دو مشاهده مانند دوترجیع بند
- ۳۲۳ " یوسف های گمگشته نهضت
- ۳۲۷ " ((انتقاد از خود در مبارزه با حزب توده (مبارزه ای که به
- ۳۲۹ " ماتحمیل شده بود)))
- ۳۲۹ " گل های سرسبدا معه ایران ونهضت توده ای
- ۳۳۵ " فرصت تاریخی مناسب و انتخابی "که به عمل آمد
- ۳۳۸ " تناقض میان کردار و گفتار خیلی زود ظاهر شد
- ۳۴۰ " (نا راضی بودن اصلاح طلبان از کجانی های شده بود)
- ۳۴۵ " پیروزی وشکست اصلاح طلبان در کنگره اول حزب
- ۳۴۷ " (چه انتظار داشتند و با چه وضعی روبرو شدند)

- ۳۵۴ " رب النوعی که دوسر دارد
- ۳۵۸ " خیانت به انقلاب
- ۳۶۳ " ما موریت من در آذربایجان
- ۳۷۵ " تخلیه ایران از زارتش سرخ و مسأله آذربایجان
- ۳۸۱ " مفهوم استالینی انترناسیونالیسم
- ۳۸۹ " بیست و یک آذر
- ۴۰۱ " شرکت حزب توده در حکومت قوام
- ۴۰۵ " مانع خارجی زمامداری حزب توده
- ۴۰۸ " مانع داخلی زمامداری حزب توده
- غائله آذربایجان و ترازنامهء حکومت فرقه و
- ۴۱۸ " شرکت حزب توده در حکومت ((قوام))
- نقش سران فرقه و حزب توده و هیات حاکمه در مسأله آذربایجان و نفت
- ۴۲۴ " –
- ۴۲۸ " – کنار گذاشته شدن وزراء حزب توده
- ۴۲۹ " – مقایسهء نقشی که به عهدهء ما (رهبران حزب توده) و رجال هیات حاکمه را گذار شده بود
- ۴۳۱ " – شکست اخلاقی
- ۴۳۴ " پایان جنگ و انتظارات مردم جهان
- ۴۳۸ " ضمیمه ۱ – روشنفکران
- ۴۴۸ ضمیمه ۲ – تحلیل ایزاک دویچ از مفهوم استالینی انترناسیونالیسم

اسناد

- ۴۵۷ " (۱) نامهء خلیل ملکی به عبدالحسین نوشین
- ۴۵۸ " (۲) نامهء خلیل ملکی به دکتر محمد مصدق
- ۴۶۳ " (۳) نامهء دکتر محمد مصدق به خلیل ملکی
- ۴۸۶ " (۴) نامهء سرگشادهء خلیل ملکی به آیت الله کاشانی
- ۴۸۷ " (۵) نامهء ملکی به اولیای امور
- ۴۹۹ " (۶) پیام دکتر محمد مصدق به جامعهء سوسیالیستهای نهضت ملی ایران
- ۵۰۷ (۷) پیام دکتر محمد مصدق به جامعهء سوسیالیستهای ایرانی در اروپا
- ۵۰۷ (۸) اعلامیهء سازمان امنیت دربارهء بازداشت ملکی در روزنامهء کیهان
- ۵۰۸ (۹) متن کفرخواست دادرسان علیه خلیل ملکی
- ۵۱۲ مرکزی جامعهء سوسیالیستهای نهضت ملی ایران

فردا که پیشگاه حقیقت شود پدید

شرمنده رهروی که عمل بر مجا ز کرد

حافظ



ملاک عمل نویسندگان علم و زندگی حق و حقیقت است،

نه فریفتن عوام، نه خوشایندایشان، یا هراس از اعتراضان.

خلیل ملکی



من از هر نظری که بر پایه انتقاد علمی استوار باشد

استقبال می‌کنم. اما در باره آنچه به "افکار عمومی" معروف

است، و من هرگز هیچ گونه امتیازی به آن نداده‌ام، اکنون

نیز مثل همیشه شعار من، شعار آن فلورانسسی بزرگ

((دانتیه)) است: راه خودت را دنبال کن و بگذار مردم

((هر چه می‌خواهند)) بگویند.

کارل مارکس

(جلد اول) سرمایه - پیشگفتار چاپ اول

پیشگفتار

خاطراتی دربارهٔ خاطرات

خلیل ملکی

ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز
کان سوخته را جان شد و آواز نیامد

در سال ۱۳۴۴ که شادروان خلیل ملکی برای چندمین و آخرین بار گرفتار " زندان و زحمت " شده بود، دکتر امیر پیشداد، هم از طرف خود و هم از طرف اینجانب، توسط شادروان جلال آل احمد، برای او پیام داد که همتی کند و خاطرات سیاسی و اجتماعی خود را بنویسد. البته ملکی در چند نوبت گوناگون، پاره‌ای از تجربیات زندگی خود را - بویژه دربارهٔ زندان " پنجاه و سه نفر "، حوادث آذربایجان و زندان فلک الافلاک - شرح داده بود. اما (چنان که من در همان زمان توضیح دادم) لازم بود که او شرح منظم و مدونی از صدر تا ذیل زندگانی سیاسی خویش برای آیندگان برجای گذارد، زیرا (دست کم برای من) روشن بود که آفتاب عمر او بر لب بام است و دروغ می‌آمد که تاریخ ایران از این سند با اهمیت محروم بماند. به همین دلیل، حتی پس از رهایی او از زندان، در یکی دو نامهٔ خصوصی او را تشویق کردم که - با آن روحیه و همتی که در او سراغ داشتم - بر ضعف جسمانی و افسردگی روانی خود غلبه کند و این کار را به پایان رساند. اما دیگر دیر شده بود و

درست یک سال پس از آخرین نامه من به او، در تیرماه ۱۳۴۸، خون در دلم موج زد و هنگامی که آن را شکافتند، قلب علیلش در عالم بیهوشی واداد و شمع عمرش کشته شد:

همی گفت و می رفت دودش به سر
که این است پایان عشق، ای پسر!

وقتی ملکی مرد، سال‌ها بود که من آسمان ایران را ندیده بودم، و نمی‌توانستم ببینم. اما چنان که در همان زمان‌ها می‌شنیدم، و بعدها نیز شنیدم، ملکی در پایان عمر، هم به دلیل بیماری قلب و چشم، و هم — بویژه — به خاطر شکست مجدد نهضت ملی ایران، روحیه و توانائی حیرت انگیز عهد پیشین را از دست داده بود.

ملکی در سال‌های آخر عمر، به تمام معنای کلمه، غریب و تنها بود و جز چند نفری که تعدادشان از شماره انگشتان دو دست تجاوز نمی‌کرد، همه او را ترک گفته بودند. البته این امر در زندگی ملکی تازگی نداشت و او خود آن را "ترجیع بند" حیات خویش نامیده بود. از برخوردهای بزرگ سیاسی که بگذریم، ملکی آنقدر در عمر خود از افراد گوناگون — اغلب از "نزدیک‌ترین" کسانی — نامردی، بی‌انصافی، حق‌ناشناسی، بی‌مروتی و حتی بی‌رحمی دیده بود که اغلب زیر لب زمزمه می‌کرد:

زبس که مردمک دیده دیده مردم بد
کنون به مردمک دیده سوءظن دارم!

اما پس از شصت و چند سال کوشش، مبارزه و شکست، و باز هم کوشش، مبارزه و شکست، دیگر نه جسمی مانده بود و نه جانی، نه دلی نه دماغی، نه نفسی و نه حالی. پیرمرد تنها بود و تنها مرد.

شاید به همین دلایل باشد که آنچه از یادداشت‌های ملکی در دست ماست کاملاً "انتظار و آرزوی مرا برنیاورد: اولاً این نوشته‌ها ناتمام است، و

بویژه از دوران پس از انشعاب از حزب توده در آن چیزی نیست (و اتفاقاً " این درست دورانی است که ملکی کمتر در نوشته‌های پیشین خود از آن صحبت کرده بود) . اما دلیل " ناتمام " بودن یادداشت‌های ملکی هنوز بر ما پوشیده است و از آن جمله بهیچ وجه مسلم نیست که خود او نوشته‌های مزبور را به پایان نرسانده باشد . برعکس ، امارات و اشارات موجود چنین می‌رساند که آنچه از این یادداشت‌ها به دست ما رسیده ناقص است و باقیمانده در زندان اجتماعی آریامهری بر اثر ناامنی‌های موجود در آن زمان (بویژه برای " نجس " های اجتماعی آن روزگار چون خلیل ملکی و جلال آل احمد) گم و گور و شاید بکلی نابود شده است . از جمله این علائم و آثار یکی این است که یادداشت‌های موجود به طرزی ناگهانی به انتها می‌رسد ، به نحوی که پیداست حتی فصل آخر آن به پایان نرسیده است ؛ دیگر این که ، چنان که ملکی خود در متن یادداشت‌ها اشاره می‌کند ، وی قسمت‌هایی از آن را پس از اتمام دست‌نوشته به آن اضافه کرده است — که ما در تنظیم متن حاضر آن قسمت‌های الحاقی را از متن اصلی خارج کرده‌ایم و در انتهای کتاب زیر عنوان " ضامم " آورده‌ایم . سوم این که خود او در ضمن یکی از نامه‌هایش در اواخر عمر به تجزیه و تحلیل خویش از نهضت ملی ایران در ضمن همین نوشته‌ها اشاره‌ای کرده بود ، و این دست کم می‌رساند که یادداشت‌های مزبور دوران نهضت ملی را نیز در بر می‌گرفته است ثانیاً آنچه هم که در دست ماست فقط با یک قلم و با نوعی شتابزدگی (به استثنای یکی دو فصل) در زندان ، یعنی بدون دسترسی به اسناد و مدارک ، نوشته شده است * . باین جهت لازم بود که دست‌نوشته‌ای که در دست ماست ، با حفظ امانت و صداقت ، تنقیح و تحشیه شود و به صورت متن نسبتاً منظمی عرضه گردد .

(*) اما ارزش ، اهمیت و تأثیر بسزای همین نوشته‌ای را هم که از ملکی بجا مانده است ، خوانندگان خود خواهند دید و نیازی به تأکید و تلقین ما نخواهد بود .

اینجانب به تشویق و با کمک امیر پیشداد، و در حدود امکان کم و بضاعت مزجات خویش، انجام این مهم را بر عهده گرفتم: و اذا امروا باللخو، مرو اکراما".



اما انتشار خاطرات خلیل ملکی امری و بحث و انتقاد در باره ارزش و اهمیت تاریخی او، و به یک کلام سنتی که او در تاریخ سیاسی - اجتماعی ایران برجا گذاشته و مکتبی که ساخته و پرداخته، امر کاملاً "جدائی است". خلیل ملکی هم به عنوان یک عالم اجتماعی، هم به عنوان یک مبارز و رهبر سیاسی یکی از برجسته‌ترین چهره‌های تاریخ معاصر ایران است. و درک این واقعیت ابداً "نیازی به علائق خصوصی، یا آراء و عقاید ویژه‌ای ندارد: در ایران قرن بیستم فقط چند تن بشخصه مظهر و علامت اندیشه‌ها و حوادثی بزرگ، و راه و روشی مشخص بوده‌اند. یکی از اینان دکتر محمد مصدق و دیگری خلیل ملکی است.

بنابراین، بررسی دقیقی از ارزش و اهمیت خلیل ملکی، در تاریخ معاصر ایران، حتی صرفاً "موضوع بحثی عالمانه در باره یک شخصیت سیاسی نیست، بلکه در درجه اول تجزیه و تحلیلی از یکی از مهم‌ترین تحولات فکری و حوادث سیاسی ایران قرن بیستم است، و اقدام به آن خاصه به خاطر حال و آینده ایران ضرورت، بلکه فوریت دارد. به طور کلی، ملکی در جامعه ایران هنوز عنصر ناشناخته‌ای است، لیکن کسانی هم که کم و بیش او را می‌شناسند - حتی بسیاری از یاران دیرین او که علاوه بر همکاری سیاسی با او حشر و نشر شخصی داشته‌اند - هنوز به میزان اهمیت تاریخی افکار و اعمال او پی نبرده‌اند. زیرا چنان که در مقدمه این کتاب خواهیم دید، خلیل ملکی مبدع و بنیان‌گذار سوسیالیسم ایرانی است.

باری، ادا کردن حق این موضوع وقت و حوصله دیگری می‌خواهد که